

آسیب‌شناسی افسانه‌های عامیانه برای کودکان پیش‌دبستانی

با رویکرد طرحواره‌های فرهنگی*

چکیده

افسانه‌ها به سبب ساختار و شیوه‌ی روایی دل‌انگیزشان، همواره مورد توجه کودکان بوده‌اند؛ راویان بزرگسال نیز در طول تاریخ برای سرگرم کردن کودکان و آموزش مهارت‌های زندگی به آنان از ظرفیت افسانه‌ها بهره گرفته‌اند. به همین سبب افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه همیشه در زمره منابع مهم ادبیات کودک محسوب شده‌اند؛ اما بررسی دقیق محتوایی این افسانه‌ها نشان می‌دهد بسامد مضامین ناهنجار و ناشایست اخلاقی، اجتماعی، انسانی و ... در این متون بسیار بالاست و از آنجا که در سنین خردسالی، طرحواره‌های ذهنی بر اساس داده‌هایی که بزرگسالان (والد) و محیط در اختیار کودک قرار می‌دهند، شکل می‌گیرد، نقل این افسانه‌ها برای کودکان، نسل به نسل، طرحواره‌های ذهنی و انگاره‌های فرهنگی ایشان را شکل می‌دهد. راویان معتبر و مقتدر این افسانه‌ها (پدر و مادر، پدربزرگ و مادر بزرگ و...) نیز به تثبیت این محتواها در ذهن کودک کمک می‌کنند و «ضبط والد» او را شکل می‌دهند که تا پایان عمر به شکل ناخودآگاه، بر تصمیم‌گیرهای او و تفسیر وی از جهان پیرامونش تأثیر جدی خواهد گذاشت. از دیگر سو، محتواهای مشترک و مشابه در متونی که در طول زمان برای کودکان یک جامعه فراهم شده، طرحواره‌های ذهنی مشابهی برای اعضای آن جامعه تولید می‌کند و به مرور انگاره‌های فرهنگی آن جامعه را شکل می‌دهد؛ لذا رد پای بسیاری از کنش‌ها و منش‌های موجود در هر جامعه را می‌توان در متونی یافت که در کودکی برای اعضای آن جامعه تولید شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی یکصد و هشتاد افسانه پرداخته و طرحواره‌های موجود در آنها را احصا و بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: افسانه‌های عامیانه، کودکان و خردسالان، طرحواره‌های ذهنی، انگاره‌های فرهنگی

*مقدمه

داستان‌های عامیانه اساساً از بطن توده زاده شده است و به بازنمایی زندگی عادی و واقعی آنان می‌پردازد. این داستان‌ها، از یک سو آرزوها، آرمان‌ها و نیازهای دوران دسترس عامه را در قالب روایت‌هایی متکی بر نیروهای جادویی و ماورایی و... تصویر می‌کند؛ از دیگر سو به انتقال سینه به سینه و نسل به نسل باورهای فرهنگی و آداب فردی، خانوادگی و اجتماعی مردمان می‌پردازد. در آیین داستان‌های عامیانه هم می‌توان نیازهای برآورده نشده و

دور از دسترس آنان را دید و هم طریق زندگی، پیشنهادها، توصیه‌ها و آموزش آداب و اصول زندگی را مشاهده کرد. این بخش اخیر، از آنجا که زیر پوسته روایتی اغلب جذاب و هیجان‌انگیز و به دور از پند و اندرزهای آشکار و ملال‌آور صورت می‌گیرد، بویژه برای مخاطبان کم‌سال، بسیار تاثیرگذار و ماندگار است. دلیل این مسئله را می‌توان به قول ژان فرانسوا لیوتار در «اقتدار» و «مشروعیت» راوی دانست. سبب تاثیرگذاری بسیاری از روایت‌ها، نه منطبق موجود در پس روایت، بلکه اقتدار و مشروعیتِ راوی است؛ بویژه بسامد تکرار هر روایت به ماندگاری و پایایی آن در ذهن مخاطبان کمک می‌کند. (نک. پاینده، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۳۳ تا ۲۳۶) داستان‌های عامیانه، اغلب دارای راویان «معتبر» و «مقتدر» (=پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها) هستند و کثرت تکرار این داستان‌ها از زبان و با بیان آن راویان معتبر و مقتدر، سبب می‌شود محتوا و اجزا و عناصر آن داستان‌ها در ذهن خام و آماده فراگیری خردسالان و کودکان ته‌نشین شده، سال‌های سال باقی بماند. از این حیث (پایایی و ماندگاری آن‌ها در ذهن)، بررسی محتوای داستان‌هایی که برای گروه‌های سنی خردسال و کودک نقل می‌شود بسیار حائز اهمیت است. این پژوهش در نظر دارد با رویکرد روان‌شناسی شناختی پیازه و بر اساس روش تحلیل رفتار متقابل اریک برن با بهره‌گیری از مبحث طرحواره‌های فرهنگی نشان‌دهنده چرا و چگونه محتوای بسیاری از داستان‌های عامیانه برای کودکان، نامناسب و چه بسا آسیب‌زننده است. در این پژوهش **یکصد و هشتاد** داستان عامیانه که بارها و بارها برای کودکان بازنویسی و منتشر شده (بر مبنای کتاب *افسانه‌های این و آن*، گردآوری و بازنویسی محمدرضا شمس)، مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. پیش فرض این پژوهش این است که در کنار سنت‌های نیک و هنجارهای بایسته و شایسته، بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی، باورهای نادرست فرهنگی، خرافات و ... در تعداد زیادی از داستان‌های عامیانه وجود دارد که در طول سالیان متمادی، نسل به نسل و سینه به سینه از طریق راویان معتبر و مقتدر (پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها) به نسل‌های بعد منتقل شده، منجر به شکل‌گیری باورهای نادرست فردی و در پی آن شکل‌گیری یک فرهنگ عمومی نادرست شده است**. بازنویسی‌های سال‌های اخیر بسیاری از این افسانه‌ها نیز متأسفانه کماکان بی‌تغییر و فاقد دقت‌های روانشناختی و فرهنگی لازم بوده است. این پژوهش قصد دارد ساز و کار شکل‌گیری این فرهنگ انفرادی/عمومی را در ذهن فرد/جمع از طریق مبحث طرحواره‌های فرهنگی نشان دهد.

*پیشینه پژوهش

آنچه عمدتاً در حوزه ادبیات عامه اتفاق افتاده، یا در زمره گردآوری داستان‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها و ... از اطراف و اکناف ایران است؛ و یا بررسی‌های ادبی در حوزه روایت، شخصیت، حوادث، ساختار و ... در این داستان‌هاست. بررسی‌های محتوایی در داستان‌های عامیانه نیز اغلب باورها و سنت‌های موجود در ادبیات اقلیمی را کاویده است. نگاهی گذرا به ۵۰ شماره مجله علمی پژوهشی فرهنگ و ادبیات عامه، گویای همین مسئله است. بواقع به نظر می‌رسد تا کنون پژوهشی جدی در بررسی ساز و کارهای ساخت عرف و فرهنگ ناهنجار مبتنی بر باورهای نادرست موجود در داستان‌های عامیانه صورت نگرفته است؛ اما می‌توان کم و بیش به این موارد اشاره کرد:

- عرفانی بیضایی، محمدجواد و محسن رحیمی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). «بررسی نظام باورها در قصه‌های عامیانه طبقه‌بندی شده ایرانی». مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، س ۶، ش ۲، صص ۹۹ تا ۱۱۸.

در این مقاله باورهای موجود در ۱۵۳ قصه عامیانه که بر اساس طبقه‌بندی آرنه- تامپسون رده‌بندی شده‌اند، مورد واکاوی قرار گرفته و مشخص شده است که برخی از این باورها با نظریات رشد اخلاقی در علم روان‌شناسی هم‌خوانی ندارد. رویکرد این مقاله به باورها، روان‌شناسی اخلاق است.

- شریف‌نسب، مریم (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). «تقابل‌های دوگانه در داستان‌های عامه». دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۳، ش ۶، صص ۱ تا ۲۰.

در این مقاله نشان داده شده است که کفه سنگین، وجیه و هنجارمند در تقابل‌های دوگانه در داستان‌های عامیانه، همواره نشان‌دهنده هنجارهای فرهنگی در جامعه بوده است. این هنجارسازی‌ها که با تکرار و بسامد خود در طول زمان، هنجارساز شده‌اند، موجب به‌وجود آمدن برخی هنجارهای ناسازگار با شرع، عرف یا سایر معیارهای اخلاقی در جامعه شده‌اند. (مثلاً در این داستان‌ها زنی که به هر دلیل تنهاست و خانواده‌ای ندارد، بدکار، بی‌ارزش، پلید و نامیمون معرفی شده و به مرور، نگاه جامعه را به این مسئله، این‌گونه شکل داده است.)

- شریف‌نسب، مریم (بهار و تابستان ۱۳۹۶). «فراروایت‌های اخلاقی و داستان‌های عامیانه ایرانی». روایت‌شناسی، دوره ۱، ش ۱، صص ۱۰۵ تا ۱۲۴.

در این مقاله با بررسی چندین مادر داستان رایج، نشان داده شده است که در بسیاری موارد در این داستان‌ها، کلان‌روایت‌های اخلاقی جامعه نادیده گرفته شده، در پایانی پیش‌بینی نشده، کاراکتری که کنش‌های غیراخلاقی یا فراهنجاری (مانند دزدی، خیانت، ناراستی و...) انجام داده است، برخلاف کلیشه‌های رایج، به سعادت و نیک‌فرجامی دست می‌یابد.

-شریف‌نساب، مریم (آبان ۱۳۹۸). «استمرار باورهای فرهنگی در قصه‌های عامیانه». در: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی.

در این مقاله به برخی ناهنجاری‌های فرهنگی (همچون نامهربان و خائن بودن عمه و خانواده پدری، برخی خرافات که به اسم توکل و توسل به ائمه جا زده می‌شود و...) پرداخته شده است که از طریق نقل سینه به سینه داستان‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

طرح پژوهشی دیگری نیز با عنوان «کنش‌های اخلاقی در داستان‌های عامیانه فارسی» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (مریم شریف‌نساب، ۱۳۹۳-۱۳۹۴) صورت پذیرفته است که پنجاه مادرداستان را به لحاظ کنش‌های اخلاقی با رویکردهای مختلف مورد واکاوی قرار داده و باورهای ناشایست و ضدهنجارهای مرتب بر آن‌ها را تحلیل کرده است.

سایر مقالات و کتاب‌های موجود در این زمینه عموماً استخراج باورهای عامیانه موجود در متون کهن یا معاصر است که مورد خوانش انتقادی قرار نگرفته است.

*بنیان‌های مفهومی پژوهش

ژان پیازه (۱۸۹۶-۱۹۸۰م)، یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان در حوزه رشد شناختی است. او، فیلسوف، زیست‌شناس، متخصص آموزش و پرورش و روان‌شناس بود و چگونگی رشد فهم در کودکان را به شیوه‌ای علمی مطالعه می‌کرد. پیازه نخستین روان‌شناسی بود که دریافت کودکان نسخه‌ای مینیاتوری از بزرگسالان نیستند و تفاوت فهم آن‌ها از گیتی، صرفاً به سبب کمتر بودن میزان دانش و اطلاعات ایشان از محیط پیرامون نیست؛ بلکه اساساً شیوه تفکر کودکان درباره جهان و تفسیر آنان از جهان با بزرگسالان متفاوت است؛ بنابراین، بحث این نیست که کودکان «کمتر» از بزرگسالان می‌فهمند؛ بلکه این است که کودکان «متفاوت» از بزرگسالان می‌فهمند. (نک. اوکلی، ۱۳۹۴: ۲۸ و پیازه و اینهلدر، ۱۳۸۶: ۱۶)

نظریه پیازه در حوزه روان‌شناسی رشد بر مفهوم کلیدی «طرحواره»^۱ بنا شده است. این اصطلاح در فارسی به «روان‌بنه»، «الگو» و «الگوی عمل» نیز ترجمه شده است. طرحواره‌ها، اعمال سازمان‌یافته‌ای هستند که در موقعیت‌های مشابه قابلیت تکرار یا تعمیم‌یافتن دارند. در نظریه پیازه، طرحواره‌ها ساخت‌های شناختی و ذهنی‌ای هستند که کودک از طریق آن‌ها محیط پیرامون خویش را شناسایی کرده، خود را با آن تطبیق می‌دهد. طرحواره‌ها

1. Schema